



● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
● مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
● رئیس هیات مدیره: صادق حسین جباری انصاری
● مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
● سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
● سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
● تلفن: ۱۴ - ۸۸۵۰۴۱۳۳ - نمابر: ۸۴۷۱۱۱۳۳
● چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۴۱۳۰ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
● امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۷۴۱۹۵۴
● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
● صندوق پستی: ۵۳۸۸۸-۱۵۸۷۵

قنبرپور و مأموریت مهم برای آینده فوتبال ایران

مصطفی قنبرپور، چهره باسابقه فوتبال پایه و بازیکن پیشین پرسپولیس، این روزها مأموریتی مهم و البته کمتر دیده‌شده را در فوتبال ایران دنبال می‌کند. قنبرپور که پس از پایان دوران بازیگری تجربه‌های مختلفی در حوزه فنی و اجرایی داشته، چند ماهی است هدایت تیم ملی نونهالان ایران را برعهده گرفته

است.

سرمربی تیم ملی نونهالان اخیراً دور جدید اردوهای انتخابی را آغاز کرده و استعدادهایی از شهرها و باشگاه‌های مختلف کشور در این مرحله حضور دارند. قنبرپور و اعضای کادر فنی با بررسی عملکرد بازیکنان، در تلاش هستند شایسته‌ترین نفرات را برای تشکیل تیم ملی

انتخاب کنند.

این مسئولیت اگرچه دور از هیاهوی فوتبال بزرگسالان قرار دارد، اما نقشی اساسی در آینده فوتبال ایران ایفا می‌کند؛ چرا که بسیاری از ستاره‌های سال‌های آینده تیم‌های ملی، از همین رده‌های پایه شناسایی و پرورش خواهند یافت.

هزاران کودک و نوجوان، صدها تیم و آکادمی؛ اما خبری از نسل تازه ستاره‌ها نیست

خط تولیدی که محصول ندارد!



نتیجه‌گرایی، دشمن پرورش استعداد

در بخش مهمی از فوتبال پایه ایران، نتیجه مسابقه مهم‌تر از رشد بازیکن است. مربی‌ای که صرفاً برای پیروزی در جدول تلاش می‌کند، معمولاً به بازیکنان درشت‌جثه‌تر، آماده‌تر و کم‌ریسک‌تر میدان می‌دهد. در چنین شرایطی، بازیکنی که از نظر فنی خلایق‌تر است اما هنوز از نظر جسمانی به بلوغ کامل نرسیده، فرصت کمتری پیدا می‌کند. این رویکرد در رده‌های پایین سنی آسیب بیشتری ایجاد می‌کند. کودک یا نوجوانی که امروز به دلیل شرایط فیزیکی از همسالان خود عقب‌تر است، ممکن است در سال‌های آینده رشد چشمگیری داشته باشد، اما اگر به دلیل نتیجه‌گرایی از ترکیب کنار گذاشته شود، فرصت لازم برای پیشرفت را از دست خواهد داد. در فوتبال حرفه‌ای جهان، بسیاری از برنامه‌های پایه بر توسعه مهارت‌های فردی، تصمیم‌گیری، خلاقیت و درک بازی تمرکز دارند. نتیجه مسابقه در سنین پایین اهمیت خود را دارد، اما هدف اصلی، ساختن بازیکن است. در ایران اما گاهی یک برد در مسابقات نوجوانان، ارزش بیشتری از رشد بلندمدت یک بازیکن دارد. این نگاه، فوتبال پایه را به نسخه کوچک‌شده فوتبال بزرگسالان تبدیل می‌کند؛ فوتبالی که در آن فشار، ترس از شکست و اهمیت جدول، جای آموزش و تجربه را می‌گیرد.

مربی پایه، حلقه فراموش‌شده

هیچ نظام استعدادیابی بدون مربی توانمند به نتیجه نمی‌رسد. مربی پایه باید علاوه‌بر دانش فنی، باویژگی‌های جسمی و روانی کودکان و نوجوانان آشنا باشد. او باید بداند که هر بازیکن در هر سنی چه مهارت‌هایی را باید بیاموزد، چگونه باید با او ارتباط برقرار کند و چه زمانی برای پیشرفت یا استراحت مناسب است. ولی در فوتبال ایران مربیان رده‌های پایه معمولاً از کمترین حمایت مالی و حرفه‌ای برخوردارند. دستمزد پایین، قراردادهای کوتاه‌مدت، نبود امنیت شغلی و فشار دائمی برای کسب نتیجه، بسیاری را به سمت رفتارهای محافظه‌کارانه سوق می‌دهد. از سوی دیگر، آموزش مربیان نیز گاه به دریافت مدرک محدود می‌شود. داشتن مدرک مربیگری ضروری است، اما کافی نیست. مربی پایه باید به‌طور مستمر آموزش ببیند، با روش‌های نوین تمرین آشنا شود و در دوره‌های تخصصی مربوط به رشد کودکان و نوجوانان شرکت کند. فوتبال ایران نمی‌تواند با مربیانی که تنها تجربه بازی یا سابقه کوتاه مربیگری دارند، کارخانه ستاره‌سازی ایجاد کند. پرورش بازیکن، دانش و صبری می‌خواهد؛ و دیوژی‌ای که در ساختار فعلی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

فقدان بانک اطلاعات واقعی

فوتبال مدرن بدون داده و اطلاعات دقیق اداره نمی‌شود. باشگاه‌های بزرگ جهان مشخصات فنی، جسمانی و پزشکی بازیکنان را از سنین پایین ثبت و به‌روزرسانی می‌کنند. عملکرد بازیکن، میزان پیشرفت، نقاط قوت و ضعف، سابقه مصدومیت و ویژگی‌های روانی او در یک سامانه منسجم نگهداری می‌شود. در فوتبال ایران، هنوز بانک اطلاعاتی جامع و قابل اتکایی از بازیکنان پایه وجود ندارد. بسیاری از بازیکنان در چند تیم مختلف جایه‌جا می‌شوند، بدون آنکه سوابق دقیق آموزشی و فنی آنان ثبت شود. استعدادیابی نیز گاهی به مشاهده‌های پراکنده و سلیقه شخصی مربیان محدود می‌شود. نبود اطلاعات منسجم، موجب می‌شود بازیکنان مستعد در استان‌ها و مناطقی که برخوردار کمتر دیده شوند، همچین امکان ارزیابی عملکرد آکادمی‌ها و مربیان از بین می‌رود. وقتی داده‌ای وجود نداشته باشد، نمی‌توان فهمید کدام برنامه موفق بوده و کدام روش نیاز به اصلاح دارد.

استعدادیابی محدود به چند شهر

بخش بزرگی از ظرفیت فوتبال ایران در خارج از مراکز اصلی و کلان‌شهرها قرار دارد. استان‌های مختلف کشور، بویژه مناطق جنوبی، شمالی، غربی و شرقی، استعدادهای فراوانی دارند. بااین حال، امکانات استعدادیابی و آموزش حرفه‌ای در همه مناطق یکسان نیست. بسیاری از بازیکنان مستعد شهرستانی برای دیده‌شدن باید به تهران یا چندشهر بزرگ دیگر مهاجرت کنند. این مهاجرت، هزینه‌های مالی و اجتماعی فراوانی برای خانواده‌ها دارد و در مواردی به دلیل مشکلات اقتصادی، آموزش یا اقتصادی امکان پذیر نیست. استعدادیابی واقعی باید به شکل منطقه‌ای و دائمی انجام شود. برگزاری چند جشنواره یا اردو در طول سال کافی نیست. باید شبکه‌ای از استعدادیاب‌های آموزش دیده در استان‌ها فعالیت کنند و ارتباط آنان با باشگاه‌های حرفه‌ای برقرار باشد. اگر فوتبال ایران به کشف استعداد در همه نقاط کشور توجه نکند، همچنان بخش بزرگی از ظرفیت انسانی خود را از دست خواهد داد.



تیم‌های ملی پایه، ویتترین بدون پشتوانه

تیم‌های ملی پایه معمولاً در مقاطع خاص مورد توجه قرار می‌گیرند. اردوها تشکیل می‌شود، بازیکنان انتخاب می‌شوند و نتایج مسابقات زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد. اما تیم‌های ملی پایه نمی‌توانند جایگزین نظام استعدادیابی باشگاهی باشند. اگر بازیکن تنها در زمان برگزاری اردوهای ملی دیده‌شود، بسیاری از استعدادها دیگر از چرخه انتخاب خارج خواهند شد. تیم‌های ملی باید حاصل یک نظام گسترده و شفاف باشند، نه محل آزمون روش‌های پراکنده و کوتاه‌مدت. همچنین، نتیجه‌گرایی در تیم‌های ملی پایه نیز می‌تواند آسیب‌زا باشد. قهرمانی در یک تورنمنت، اگر به قیمت نادیده گرفتن رشد بازیکنان و توسعه مهارت‌های آنان به دست‌آید، ارزش بلندمدت چندانی ندارد. هدف نهایی تیم‌های ملی پایه باید کمک به ساخت بازیکنان حرفه‌ای برای تیم ملی بزرگسالان باشد.

کارخانه‌هایی که نیازمند بازسازی هستند

فوتبال ایران در حوزه پایه با کمبود بازیکن مواجه نیست؛ با کمبود نظام مواجه است. زمین تمرین و مسابقه وجود دارد، اما مسیر رشد روشن نیست. آکادمی وجود دارد، اما استاندارد واحدی برآن حاکم نیست. مربی وجود دارد، اما حمایت و آموزش کافی دریافت نمی‌کند. بازیکن وجود دارد، اما ارتباطی مطمئن میان او و فوتبال حرفه‌ای برقرار نیست. کارخانه‌های ستاره‌سازی فوتبال ایران خاموش نشده‌اند چون استعداد از بین رفته است؛ خاموش مانده‌اند چون مواد اولیه ارزشمند، یعنی کودکان و نوجوانان مستعد، در فرایندی ناکارآمد هدر می‌روند. ۲۰۰ هزار بازیکن پایه و صدها تیم، تنها زمانی به معنای پیشرفت خواهند بود که بخشی از این بازیکنان بتوانند به شکلی طبیعی و منظم وارد فوتبال حرفه‌ای شوند. در غیر این صورت، آمارها فقط تصویری بزرگ از یک ساختار پرهزینه و کم‌ثمر ارائه می‌کنند. فوتبال ایران برای بازگشت به روزهای بهتر، بیش از آنکه به شعارهای تازه نیاز داشته باشد، به مدیریت پایدار، نگاه علمی، سرمایه‌گذاری واقعی و شجاعت در اصلاح ساختارها نیاز دارد. نسل تازه ستاره‌ها در زمین‌های فوتبال حضور دارند؛ مسأله این است که آیا فوتبال ایران می‌تواند آنان را ببیند، پرورش دهد و تا مقصد همراهی کند یا همچنان شاهد خاموش ماندن کارخانه‌هایی خواهد بود که سال‌هاست وعده تولید ستاره می‌دهند.



یکی از مشکلات جدی فوتبال پایه ایران، نبود تعریف روشن و یکسان از آکادمی حرفه‌ای است. در بسیاری از موارد، مدرسه جذب چند مربی و دریافت شهریه از خانواده‌ها خلاصه می‌شود. در چنین ساختاری، موفقیت نه براساس رشد فنی بازیکن، بلکه بر مبنای تعداد ثبت‌نام‌کنندگان و میزان درآمد سنجیده می‌شود

کودک تنظیم شده است؟ آیا بازیکنان به‌صورت تخصصی ارزیابی می‌شوند؟ آیا خدمات پزشکی، تغذیه‌ای و روانشناختی وجود دارد؟ آیا مسیر مشخصی برای انتقال بازیکن از آکادمی به تیم‌های حرفه‌ای تعریف شده است؟ در بسیاری از موارد، پاسخ به این پرسش‌ها روشن نیست. آکادمی‌ها بازیکن جذب می‌کنند، اما الزام مشخصی برای پرورش و معرفی آنان ندارند. بازیکنان آموزش می‌بینند، شهریه پرداخت می‌شود و مسابقه برگزار می‌شود، اما سرنوشت آنان پس از پایان دوره‌های آموزشی به آینده‌ای نامعلوم سپرده می‌شود.

البته در میان این مجموعه‌ها، آکادمی‌های متعهد و مربیان دلسوز نیز فعالیت می‌کنند و نمی‌توان همه مجموعه‌ها را با یک چوب راند. مشکل اصلی، نبود یک نظام نظارتی دقیق و استانداردهای مشخص برای ارزیابی عملکرد آکادمی‌هاست؛ وضعیتی که باعث شده مجموعه‌های حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای عملاً در یک سطح دیده شوند. نتیجه چنین شرایطی چیزی جز هدررفت استعدادها و بی‌اعتمادی خانواده‌ها نیست.

فوتبال ایران امروز بیش از آنکه با کمبود استعداد مواجه باشد، با مشکل کشف، پرورش، حفظ و رساندن استعداد به سطح حرفه‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند. کارخانه‌های فوتبال پایه پیرا زوروی‌اند، اما زنجیره تولید آنها ناقص است؛ بازیکن وارد می‌شود، تمرین می‌کند، مسابقه می‌دهد و در بسیاری از موارد، در دست در نقطه‌ای که باید وارد فوتبال حرفه‌ای شود از چرخه خارج می‌شود. اگر قرار است فوتبال ایران نسل تازه‌ای از ستاره‌ها را به تیم‌های باشگاهی و ملی تحویل دهد، دیگر نمی‌توان صرفاً به افزایش تعداد مسابقات، افتتاح آکادمی‌های جدید یا برگزاری دوره‌های استعدادیابی دل خوش کرد. مسأله اصلی، ساختن مسیری روشن از استعداد تا ستاره است؛ مسیری که در فوتبال ایران هنوز بیش از آنکه یک سیستم باشد، مجموعه‌ای از حلقه‌های پراکنده است.

هزاران بازیکن در فرایند تمرین و مسابقه حضور دارند، انتظار طبیعی این است که هر سال گروهی از آنان به سطح فوتبال حرفه‌ای راه پیدا کنند. قرار نیست همه بازیکنان به ستاره تبدیل شوند، اما دست‌کم تعداد قابل توجهی از آنان باید بتوانند به لیگ برتر، لیگ دسته اول یا تیم‌های ملی رده‌های مختلف برسند. در فوتبال ایران اما بخش بزرگی از این بازیکنان پس از پایان رده جوانان یا امید از چرخه خارج می‌شوند. بسیاری حتی فرصت حضور در تمرینات تیم‌های بزرگسالان را پیدا نمی‌کنند. گروهی دیگر به‌دلیل نبود قرارداد حرفه‌ای، مشکلات مالی، مصدومیت یا ناامیدی از آینده، فوتبال را کنار می‌گذارند. بخشی نیز به تیم‌های آماتور می‌پیوندند و در نهایت، بدون آنکه توانایی واقعی‌شان به‌درستی سنجیده شود از فوتبال حرفه‌ای فاصله می‌گیرند. این وضعیت نشان می‌دهد که تعداد تیم‌ها و برگزاری مسابقات، به‌تنهایی نشانه موفقیت در فوتبال پایه نیست. مسابقه لازم است، اما کافی نیست. فوتبال پایه زمانی می‌تواند ستاره تولید کند که مجموعه‌ای از عوامل آموزشی، مربی‌پروری، پزشکی، اقتصادی و فنی در کنار یکدیگر قرار بگیرند.

آکادمی‌هایی که بیشتر به بنگاه اقتصادی شبیه‌اند

یکی از مشکلات جدی فوتبال پایه ایران، نبود تعریف روشن و یکسان از آکادمی حرفه‌ای است. در بسیاری از موارد، مدرسه فوتبال یا آکادمی به اجاره یک زمین، جذب چند مربی و دریافت شهریه از خانواده‌ها خلاصه می‌شود. در چنین ساختاری، موفقیت نه براساس رشد فنی بازیکن، بلکه بر مبنای تعداد ثبت‌نام‌کنندگان و میزان درآمد سنجیده می‌شود.

خانواده‌ها برای آموزش فرزندان خود هزینه می‌کنند، اما اغلب نمی‌دانند این هزینه دقیقاً صرف چه خدماتی می‌شود. آیا مربی از دانش فنی و مدرک معتبر برخوردار است؟ آیا برنامه تمرینی براساس سن و مرحله رشد

ایران چنین گسترده است، چرا کارخانه‌های ستاره‌سازی فوتبال کشور سال‌هاست محصول قابل توجهی به فوتبال بزرگسالان تحویل نمی‌دهند؟

کمبود مسابقه، مشکل اصلی نیست

برخلاف تصور عمومی، مشکل فوتبال پایه ایران کمبود تیم و مسابقه نیست. سازمان لیگ، مسابقات رده‌های پایه را در سه سطح لیگ برتر، لیگ دسته اول و لیگ مناطق برگزار می‌کند و این رقابت‌ها در پنج رده سنی نونهالان، نوجوانان، جوانان، زیر ۱۸ سال و امید جریان دارد. مجموع تیم‌های حاضر در این مسابقات به حدود ۲۸۰ تیم می‌رسد.

این تنها بخشی از واقعیت فوتبال پایه کشور است. هیات‌های فوتبال استان‌ها نیز مسابقات ویژه خود را برگزار می‌کنند. برای نمونه، در تهران مسابقات پایه در چهار رده سنی نونهالان، نوجوانان، جوانان و امید و در سطوح مختلف برگزار می‌شود و حدود ۳۰۰ تیم در این رقابت‌ها حضور دارند. اگر مسابقات سایر استان‌ها را نیز به این مجموعه اضافه کنیم، با بیش از هزار تیم فعال در فوتبال پایه مواجه خواهیم شد؛ تیم‌هایی که به شکل منظم مسابقه می‌دهند و هزاران بازیکن را در چرخه فوتبال نگه می‌دارند.

براساس اعلام مدیرمسابقات پایه سازمان لیگ فوتبال ایران، حدود ۲۰ هزار فوتبالیست در لیگ‌های رده‌های پایه زیر ۲۱ سال، زیر ۲۰ سال، نوجوانان، رده ۱۸ سال و نونهالان در سطح کشور فعالیت دارند. این بازیکنان در حدود ۴۵۰ تیم لیگ‌های مختلف سازمان لیگ حضور دارند. اما درست همینجا تناقض بزرگ فوتبال ایران خود را نشان می‌دهد: ۲۰ هزار بازیکن، صدها تیم و ده‌ها آکادمی؛ پس چرا خروجی این چرخه تا این اندازه محدود است؟

آمار بزرگ، محصول کوچک

در هر نظام حرفه‌ای، تعداد ورودی‌ها باید با کیفیت خروجی‌ها ارتباط داشته باشد. اگر

گزارش ویژه

محمد رضا رحیم‌پور

خبرنگار

فوتبال ایران سال‌هاست درباره اهمیت فوتبال پایه سخن می‌گوید؛ از ضرورت استعدادیابی و ساخت آکادمی‌های حرفه‌ای گرفته تا لزوم توجه به نسل آینده تیم‌های ملی. مدیران، کارشناسان و مسئولان باشگاه‌ها بارها تأکید کرده‌اند که آینده فوتبال کشور از زمین‌های خاکی و چمن‌های رده‌های پایه می‌گذرد. با این حال، میان آنچه در نشست‌ها و برنامه‌های رسمی مطرح می‌شود و آنچه در زمین مسابقه اتفاق می‌افتد، فاصله‌ای عمیق و نگران‌کننده وجود دارد.

امروز در فوتبال ایران صدها تیم پایه در مسابقات گوناگون فعالیت می‌کنند. هزاران کودک و نوجوان هر هفته تمرین می‌کنند و به میدان می‌روند و خانواده‌های بسیاری هزینه‌های سنگینی می‌پردازند تا فرزندان‌شان شاید روزی به فوتبالیست حرفه‌ای تبدیل شوند. آکادمی‌های خصوصی در شهرهای مختلف شکل گرفته‌اند، مدارس فوتبال تبلیغات گسترده‌ای دارند و مسابقات رده‌های پایه تقریباً در تمام فصل جریان دارد.

ولی خروجی این ساختار با حجم فعالیت آن همخوانی ندارد. فوتبال ایران با وجود این گستردگی، در سال‌های اخیر نتوانسته است به شکل مستمر نسل تازه‌ای از بازیکنان باکیفیت را به فوتبال بزرگسالان معرفی کند. ظهور موردی یک یا دو استعداد جوان در ترکیب تیم‌های مطرح، نمی‌تواند نشانه سلامت یک نظام استعدادیابی باشد. آنچه فوتبال ایران نیاز دارد، کشف اتفاقی چند بازیکن در فاصله چند سال نیست؛ بلکه تولید منظم، هدفمند و پیوسته نسل‌های جدید است.

سؤال ساده اما مهم این است: اگر فوتبال پایه

مصاحبه

فرزاد آشوبی، مربی فوتبال با اشاره به فعالیت خود در رده‌های پایه پرسپولیس تأکید کرد که در فوتبال پایه نباید قهرمانی و قرار گرفتن روی سکو را به عنوان مهم‌ترین شاخص ارزیابی عملکرد مربی در نظر گرفت. او گفت: «واقعیت این است که اگر قرار باشد از یک تحول واقعی در فوتبال پایه پرسپولیس صحبت کنیم، این اتفاق را باید به نام محسن خلیلی ثبت کرد. او با چارت و ساختاری که ایجاد کرد و همچنین امکانات سخت‌افزاری که فراهم آورد، نگاه به مقوله آکادمیک را تغییر داد.»

وی ادامه داد: «من در دو سالی که

به‌عنوان سرمربی رده‌های نوجوانان و جوانان فعالیت کردم، تلاش کردم آنچه در فوتبال پایه انجام می‌شود، قریب به‌بیشتری با فوتبال روز دنیا و استانداردهای مدرن داشته باشد. اینکه خروجی این کار الزاماً به قهرمانی یا قرار گرفتن روی سکو منجر نشود، به اعتقاد من کمترین موضوعی است که باید دغدغه فوتبال پایه باشد. آنچه اهمیت دارد، ساختن بازیکن برای فردا و فرداهای روشن‌تر است.»

آشوبی در پاسخ به این پرسش که مربی فوتبال پایه باید بیشتر به دنبال نتیجه باشد یا ساختن بازیکن، اظهار داشت: «مربی پایه باید به دنبال ساختن باشد. متأسفانه وقتی مسابقات فوتبال پایه را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم مربی کنار خط دائماً فریاد می‌زند: «زنید»، «گل خوردم»، «گل زنید»... و انگار فراموش کرده‌ایم این بازیکنان هنوز حرفه‌ای

نشده‌اند و بچه‌های ما هستند. این فشار روانی قطعاً می‌تواند روی روند رشد آنها تأثیر بگذارد.»

وی افزود: «البته من هم بازیکنانم را تحت فشار قرار می‌دادم، اما نه برای اینکه صرفاً نتیجه بگیریم؛ فشار من برای رعایت اصول و اجرای روشی بود که من کمترین موضوعی است که باید همیشه هم این موضوع را پذیرفته‌ام که فوتبال مدرن و متفاوت ممکن است عواقب و هزینه‌های خودش را داشته باشد و حتی در مقطعی نتیجه دلخواه را به همراه نیاورد.»

این مربی فوتبال سپس به موضوع خصوصی‌سازی در فوتبال پایه پرداخت و گفت: «من فکر می‌کنم خصوصی‌سازی عملاً فوتبال پایه ما را نابود کرد. کاری که در ابتدا تصور می‌شد اقدامی اصولی، منطقی و آینده‌نگرانه باشد، در عمل تیشه‌ای شد بر ریشه ضعیف فوتبال پایه.



من این رویکرد را اصلاً نمی‌پسندم.» آشوبی البته تأکید کرد که برای قضاوت درباره عملکرد مدیران و مربیان باید شرایط کاری آنها نیز در نظر گرفته شود: «در عین حال باید خودمان را جای مدیران و مربیانی بگذاریم که در یک فضای ناامن و با هزاران دغدغه و فشار فعالیت می‌کنند. وقتی ساختار فوتبال پایه ثبات ندارد و مربی دائماً تحت فشار نتیجه‌فرار می‌گیرد، نمی‌توان انتظار داشت همه تصمیم‌ها صرفاً بر مبنای توسعه و آینده‌سازی گرفته شود.» وی در پایان خاطرنشان کرد: «اگر قرار است فوتبال پایه واقعاً به فوتبال ایران کمک کند، باید نگاه‌مان را تغییر دهیم. هدف اصلی باید پرورش بازیکنی باشد که چند سال بعد بتواند در سطح حرفه‌ای فوتبال ایران و حتی فوتبال آسیا اثرگذار باشد. قهرمانی می‌تواند خوشحال‌کننده باشد، اما نباید جای هدف اصلی را بگیرد.»